

بسم الله الرحمن الرحيم

خطر ارتجاع

نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص مخاطرات امروزی

انقلاب و مکتب امام^(ره) و راههای مقابله با ارتجاع مدرن

«مرتجع آن کسی است که «زیات و بک زندگی، تابع زیات و بک زندگی غربی است.»

بیانات امام خمینی (مدظله العالی) و مراسم یادبود رحلت امام خمینی (ره)

مقدمه:

با توجه به نوع تهاجم شدید دشمن در مقطع کنونی با محوریت جنگ شناختی و جنگ روانی، به همراه و به موازات جنگ اقتصادی، دوران سنگین جهاد روشنگری و تبیین از سوی نیروهای انقلابی و اقشار حزب الله است و برای نجات امت اسلامی از هجمه‌های سنگین تبلیغاتی و جنگ روانی یاس‌آور و خطرناک دشمن لازم است، اصحاب فکر و فعالان عرصه جهاد تبیین نسبت به

فرمایشات مقام معظم رهبری یک نگاه راهبردی و عمیقی داشته باشند و از سطحی‌نگری اجتناب ورزند. چرا که آن چه مقام معظم رهبری می‌فرمایند یک بحث علمی، ارشادی، نصیحت و تذکر نیست بلکه ناشی از شناخت دقیق مسائل، نیازها و ضرورت‌های کشور می‌باشد که براساس برآوردی جامع از وضعیت کشور حاصل شده است و فرمایشات مقام معظم رهبری نسخه‌هایی است که در صورت عمل به آن راهگشای مسائل و مشکلات کشور و تسریع در دستیابی به قله‌های عزت و موفقیت خواهد بود، بنابراین نسبت به ولایت باید تبعیت مطلق داشت.

بنابر اظهار مجاهد برجسته سیدحسن نصرالله در جمع ایرانیانی که به دیدارشان رفته بودند ایشان با یک مقایسه تطبیقی لبنان قبل از انقلاب اسلامی ایران و شرایط و وضعیت لبنان بعد از انقلاب اسلامی، علت موفقیت جبهه حزب‌الله لبنان در مواجهه با تهدیدات نظامی و امنیتی خارجی و داخلی را، در تبعیت و پیروی از ولایت‌فقیه تبیین می‌نمایند و تبدیل لبنان منفعل، به لبنان نقش‌آفرین را در عرصه مناسبات منطقه‌ای، از آثار و برکات انقلاب اسلامی ایران و هدایت و حمایت‌های ولی‌فقیه، امام خامنه‌ای دانسته و تأکید می‌کنند: «اگر ما چیزی را بفهمیم که حضرت آقا بیان نکرده و دستوری نداده باشند ولی ما بفهمیم که دلشان این کار و مطلب را از ما انتظار دارند بی‌تردید سراغ اجرای آن می‌رویم و اگر یک مطلب قطعی برای ما باشد ولی ایشان نظر ندهند آن کار را انجام

نمی‌دهیم و هر وقت طبق نظر حضرت آقا عمل کردیم نتایج خوب آن را دیدیم.» در همین رابطه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه طی سخنانی به ارائه و بازنمایی خطر ارتجاع و راه‌های مقابله با این ارتجاع مدرن با توجه به اهم محورهای بیانات رهبر معظم انقلاب در ۱۴۰۱/۳/۱۴ پرداختند. آنچه در ادامه می‌آید پیاده شده سخنرانی نماینده محترم ولی فقیه در سپاه به همراه ویرایش مختصر می‌باشد.

امام خمینی (ره) چگونه توانست انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند

حضرت آقا در بیاناتشان ۷ فرمان را صادر کردند که به یکی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهم کرد. در ابتدا به این موضوع و سؤال مبنایی پاسخ باید داد که چطور حضرت امام خمینی ^(ره) توانستند کار بزرگ انقلاب اسلامی ایران را به سرانجام برسانند. نکته بسیار مهم و حیاتی حرکت و قیام امام، قیام برای خدا بود همه هدف و موفقیت امام خلاصه در قیام برای خدا بود. واژه قیام در منظومه معنایی، حرکت جهادی، ایستادگی و مقاومت، صبر و پایداری و استقامت را دارد.

در حقیقت بین ما و خدا یک‌قدم راه است و آن اخلاص است که املاء هدایت و نصرت خدا را به همراه دارد و خود قیام برای خدا هدف است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: (جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (آیه ۶۹ سوره عنکبوت) «آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند

تحقیقاً آن‌ها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است» و جای دیگر در قرآن می‌فرماید: (قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى خِثْلٍ بَازِلٍ وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ) (آیه ۴۶ سوره سباء) «بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این است که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر باهم یا هر یک تنها قیام کنید و (درباره من) عقل و فکر کاربندید تا به‌خوبی دریابید که صاحب شما امت را جنون نیست، او جز این نیست که رسول خداست و از عذاب سخت روز قیامت که شمارا در پیش است می‌ترساند گویای این حقیقت است». امام، قیام را با همین آیه مبنایی قرآن کریم شروع کرد و امام هیچ‌چیز غیر از خدا نمی‌دید و این برای ما یک الگویی است که در همه موضع‌گیری‌هایمان طوری عمل نماییم که خدا از ما راضی باشد و خدا را حاضر و ناظر در همه احوالات خویش بدانیم در این صورت خدا اموراتمان را کفایت خواهد کرد. مراقبت شود که هدف را گم نکنیم اگر قیام برای خدا باشد این مطلب هم هدف و هم راه و هم سعادت است. نکته قابل‌ذکر این است که در قیام برای خدا و در ابتدای امر، کار سختی باشد ولی آنچه مسلم است همین نیت و هدف انسان برای جلب رضایت خداوند و قیام برای خدا، ارزش فراوانی دارد. سؤال و نکته مهم دیگر این است که چه کسی دل مردم و قلب‌های مردم را با امام همراه کرد؟ بر اساس آیه قرآن: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (آیه ۹۶

سوره مریم) «همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خدای رحمان آن‌ها را (در نظر خلق و حق) محبوب می‌گرداند.»

اگر کار برای خدا باشد و اخلاص در عمل و قیام برای خدا باشد خداوند طبق آیه ۹۶ سوره مریم آن فرد را در نظر خلق و حق محبوب می‌گرداند.

۷ فرمان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری در مراسم سی‌وسومین سالگرد ارتحال امام(ره) در ۱۴ خرداد امسال هفت فرمان صادر کردند که به یکی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود؛ امام خامنه‌ای می‌فرماید:

- ۱- نگذارید ضدانقلاب و دشمن از انقلاب هویت زدایی کند.
- ۲- نگذارید یاد امام در جامعه کمرنگ شود همان‌طور که گفتم امام روح جمهوری اسلامی ایران است.
- ۳- نگذارید رگه‌های ارتجاع در جامعه نفوذ کند و جایگزین شود و کسی مرتجع است که ما را بخواهد به قبل از انقلاب برساند.
- ۴- دروغ و فریب و جنگ روانی دشمن را افشاء کنید و نگذارید جنگ روانی در کشور تأثیر بگذارد.
- ۵- از سرمایه ایمان مردم برای عمل صالح بهره بگیریم.
- ۶- نگذارید کسانی این‌جوری وانمود کنند که کشور به بن‌بست رسیده است.

۷- باید از مسئولین قدرشناسی کرد چون دشمن درصدد تخریب مسئولان انقلاب است.

اهمیت و بنیادی بودن مسئله ارتجاع در جامعه

از جهت اهمیت بنیادی ارتجاع در جامعه، حضرت آقا اولین بار در دولت اصلاحات در دانشگاه تهران تحت عنوان "ارتجاع روشنفکری" به ایراد سخنرانی پرداختند. تصور غالب از روشنفکری، ضد ارتجاع بودن، است و به قول جلال آل احمد روشنفکر سنت ستیز است. حضرت آقا در آن سخنرانی فرمودند: "امروزه روشنفکری منفعل می‌خواهد ما را به گذشته برگرداند و برنامه روشنفکری وابسته، ارتجاع است و می‌خواهند که ما را به گذشته برگردانند." همچنین حضرت آقا در مراسم سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در باب ارتجاع فرمودند: «ما وقتی می‌گوییم «مرتجع»، ذهن بعضی‌ها می‌رود به سراغ کسی که یک عرفچینی بر سرش است؛ نه، مرتجع آن‌کسی است که در سیاست و سبک زندگی، تابع سیاست و سبک زندگی غربی است؛ این مرتجع است. این [وضع] در کشور ما بود؛ در دوران حاکمیت فاسد و وابسته‌ی پهلوی، سبک زندگی غربی در کشور بود، انقلاب آمد آن را پس زد؛ هر کس به آن برگردد مرتجع است. ممکن است این شخصی که مرتجع است تی‌شرت و شلوار جین هم بپوشد پاپیون و اودکلن فرانسوی هم بزند، اما مرتجع است. هرکسی که به

سمت زندگی و فرهنگ و سبک زندگی غربی برود، او مرتجع است. نگذارید کشورتان به سمت ارتجاع برود؛ نگذارید ارتجاع در بدنه‌ی کشور جاگیر بشود و نفوذ کند.» (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مراسم سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله))

اهمیت و ضرورت جهاد پیوسته و پایدار در زندگی مؤمن

با استناد به احادیث و سنت امامان معصوم برای ما مسلم است که جهاد در زندگی مؤمن تعطیل‌بردار نیست و مؤمن بدون جهاد، مؤمن نیست و جامعه اسلامی بدون جهاد، جامعه دینی نیست. ممکن است عرصه‌های جهاد تفاوت کند ولی هیچ‌وقت اصل جهاد از زندگی مؤمن کنار نمی‌رود. این حقیقت دارای ریشه قرآنی، حدیثی و سیرت هست، ریشه قرآنی این است که خدا در قرآن می‌گوید من همیشه جبهه حق را بدون جبهه باطل هیچ زمانی رها نمی‌کنم و این یک سنت الهی است و هیچ‌وقت روزی نخواهد آمد که جبهه حق کاملاً پیروز میدان باشد بدون مزاحم و دشمن. آیه‌های ذیل پرده از این سنت الهی برمی‌دارد؛ **سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا** (آیه ۲۳ سوره فتح) **سُنَّتِ الهی (و قانون نظام ربّانی) بر این بوده (که حق بر باطل غالب شود) و ابدًا در سُنَّتِ خدا تغییری نخواهی یافت.**

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (آیه ۱۱۲ سوره

انعام) «این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قراردادیم؛ آن‌ها به طور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند؛ و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کرد؛ (و می توانست جلو آن‌ها را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابراین، آن‌ها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار.»

در زمان حضرت مهدی (عج) علیرغم غلبه جبهه حق در جهان، باطل کاملاً از بین نخواهد رفت، بلکه باطل وجود دارد ولی جبهه حق به قدرت و حاکمیت رسیده و جبهه باطل تضعیف و مهار شده و قدرت ندارد. پس جبهه حق و باطل در تمامی اعصار وجود دارد اما نحوه تقابل جبهه حق با باطل با توجه به شرایط و مقتضیات و پیچیده شدن عرصه تقابل، تفاوت دارد. در این زمینه باید شناخت جامع و درک صحیح از دشمن و زمینه‌های حمله، تشخیص دقیقی داشت. بدین منظور می توان بامطالعه شیوه و نحوه مواجهه سیاسی امامان معصوم در برابر حکام ظالم وقت، تجربه و شناخت خوبی به دست آورد و در این زمینه سرتاسر تاریخ سیاسی امامان معصوم الگوی کاربردی و نقشه جامع راهبری انقلاب اسلامی ایران در جهان پرتلاطم امروز را به دست می دهد.

اصول جهاد در برابر جبهه باطل

اصل اول؛ جهاد کبیر بعد از جهاد اکبر مهم ترین جهاد است که ده مصداق دارد.

اصل دوم که عقل و نقل بر آن تأکید دارد شناخت و درک صحیح دشمن و نوع خطر دشمن و نوع چالش‌هایی که دشمن در سر راه انقلاب ایجاد می‌کند. جهاد را باید بر اساس شناخت دشمن، شیوه‌ها و روش‌های دشمنی آن، به انجام رساند. جهاد یعنی مقابل دشمن بودن، مقابل یک خطر بودن و مبارزه با کسی که در مقابل اهداف و آرمان‌های انقلاب ایستاده است. جهادی راه‌گشا و تضمین‌کننده حیات، عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است که مبتنی بر شناخت دشمن و شیوه‌های دشمنی‌اش باشد و نه صرفاً جهاد. متناسب با مناسبت این روزها یک مثال تاریخی در نحوه مواجهه امام رضا علیه‌السلام با مأمون است که متفاوت از شیوه مواجهه امام جواد علیه‌السلام به دلیل رعایت شرایط زمان و مقتضیات و مصلحت امت اسلام هست.

بنابراین بایستی متناسب با سیاست‌ها و راهبردهای دشمن به مقابله با آن پرداخت و می‌توان از آیه ۱۹۴ سوره بقره چنین برداشت و استنباطی کرد؛

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ «ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید، که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به

قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.»

آفت و خطر انقلاب های دنیوی و دینی

یکی از خطرات بزرگی که در همه انقلاب های دنیوی و دینی و همه نهضت های الهی را تهدید می کند فاصله گرفتن از اصل خودشان است که حضرت آقا فرمودند ارتجاع و بازگشت به گذشته . انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب کبیر روسیه با مردم شکل گرفت ولی شکست خوردند، چرا ؟ بدلیل ارتجاع و دور شدن از اصل خود یعنی مردم.

خطر ارتجاع؛ هشدار تاریخی قرآن

داستان بنی اسرائیل در قرآن یک حقیقت تاریخی از یک ارتجاع در انقلاب دینی است. قرآن به خوبی به آن پرداخته و به علل آن اشاره کرده است، فرعون با سیاست تحقیر مردم، توانسته بود به فرمانبری اتباع خود دامن بزند و مردم پذیرفته بودند. خداوند بنی اسرائیل را با معجزات از دست فرعون نجات داد اما سوال این است که چرا انقلاب حضرت موسی شکست خورد؟ نکته شروع شکست را، قرآن در ارتجاع و بازگشت به آداب و سنت های غلط قبل از انقلاب در زمان حیات موسی نه بعد از موسی دانسته است. وقتی که حضرت موسی چهل روز از رهبری قوم بنی اسرائیل با تعیین هارون به عنوان جانشین خود، غایب شد. اما در غیبت چهل روزه حضرت موسی، بنی اسرائیل رهایافته از دست

فرعون و با دیدن معجزات فراوان الهی، دوباره برگشتند گوساله پرست شدند. حقیقت این است که یک عامل قوی حس گرایی در درون قوم بنی اسرائیل بود و این در وجودشان اصلاح نشده بود و همین امر باعث ارتجاع به بت پرستی شد و به حضرت موسی گفتند که خدایی برای ما درست کن که بتوانیم ببینیم و اورا لمس کنیم. همچنین قوم بنی اسرائیل زمانی که روحیه جهادی را از دست دادند، به سقوط نهایی افتادند. وقتی حضرت موسی فرمود که برای بدست آوردن سرزمین و تاسیس حاکمیت دینی در سرزمین غیر از مصر، باید با اراذل و اوباش ساکن در آن سرزمین که خدا تعیین کرده جهاد کنید و خداوند برای شما سرزمینی بهتر از مصر در نظر گرفته ولی از فرمان رهبر اطاعت نکردند و به حضرت موسی گفتند که خدای تو فرعون را شکست داد و حال برای شکست اراذل و اوباش هم خدا مستقیماً اقدام کند، حضرت موسی به قوم بنی اسرائیل فرمود که خداوند می خواهد شما این جهاد را انجام دهید ولی آن ها از این فرمان خداوند اطاعت نکردند و از حالت روحیه جهادی برگشتند. همین امر باعث شد تا سالها در بیابان ها آواره گردند.

ارتجاع در اسلام؛ بعد از رحلت پیامبر اسلام

بعد از پیامبر اسلام (ص) چه اتفاقی افتاد که این انقلاب عظیم به ارتجاع کشانده شد و به راهی مثل مسیحیت رفت که روح و حقیقت اسلام نه به حاکمیت و نه به زندگی مردم کاری نداشت. در واقع، هم در اندیشه و هم در عمل، پروژه

جدایی دین از سیاست کلید خورد. نکته بسیار کلیدی این امر مستتر در بازشناخت نقش یهود در تاریخ و رخدادها و رویدادهای جهان اسلام می باشد. یهود در دوران هجرت بزرگترین دشمن اسلام بود حتی در دوران ده سال مشرکین به اندازه یهود با پیغمبر درگیر نشدند آیه ۸۲ سوره مائده به این واقعیت اشاره دارد: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا) «مسلماناً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.» ولی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) چه اتفاقی رخ داد که یهود دیگر هیچ درگیری با جریان حاکمیت نداشتند و هیچ بحث و دعوایی بین یهود و مسلمانان صورت نگرفت؟ جریان فاسد یهودیت همان کاری که با دین یهود و دین مسیحیت کردند با دین اسلام هم همان کار را انجام دادند و پیروز این میدان شدند تا جایی که مسلمانان برگشتند به قبل از اسلام و وقتی که بعد از بیست و پنج سال از رحلت پیامبر اکرم، امام علی علیه السلام به حکومت رسیدند، عمده درگیری ها و چالش ها با همین جریان ارتجاع در قالب ناکثین، مارقین، قاسطین بود که همه پرچم اسلام را برداشته بودند که خیلی از مسلمانان دچار تردید شدند و می گفتند که؛ یا علی ما نماز می خوانیم آنها هم نماز می خوانند و ما قرآن می خوانیم آنها هم قرآن می خوانند. مشکل علی (ع) جریان ارتجاع بود. امام علی (ع) در نهج البلاغه در خطبه ۱۵۰ می گوید که بزرگترین ارتجاع در حاکمیت و مدیریت و شیوه حکمرانی اتفاق افتاد حکومت بعد از پیامبر بزرگ

شده و همه مناسبتها و آداب و رسوم مذهبی سر جای خودش بود ولی از نظر امام علی چه چیزی عوض شده بود همان برگشتن به سنت آل فرعون در شیوه حکمرانی.

در جنگ احد شایعه شد که پیغمبر کشته شده و برخی از مسلمانان پشت به جبهه نموده و فرار کردند. خداوند آیه فرستاد که چرا شما دست از دین برداشتید این آیه هشدار است از آینده و یک پیش گویی است که به نوعی بیان خطر ارتجاع در دین است. در واقع بعد از پیامبر اکرم، ارتداد از توحید، نبوت و معاد صورت نپذیرفت آن چه به عنوان ارتجاع مطرح است ارتداد و ارتجاع از مدیریت دینی جامعه می باشد. ارتداد از سیاست دینی، مدیریت و اقتصاد دینی بود بنابه قول شهید مطهری بزرگترین انحراف در عالم اسلام روزی آغاز شد که سیاست عملا از دیانت جدا شد و ارتجاع دقیقا در همین نکته است.

رجعت در رهبری امید مشترک ضد انقلاب و استکبار بعد از رحلت امام

انقلاب اسلامی تا به حال از خطر رجعت در رهبری که ارتجاع بسیار خطرناکی است رسته است. رجعت در رهبری همانطور که بعد از پیامبر (ص) رهبری امت اسلامی به اهل غیر از خواست خدا افتاد و مفهوم و اصل ولایت را به خلافت تغییر دادند در جمهوری اسلامی ایران هم با مطرح کردن قائم مقامی آقای منتظری می خواستند به رجعت در رهبری برسند، آنچه مسلم است در نظام اسلامی مفهومی و جایگاهی به نام قائم مقامی رهبری وجود ندارد و وقتی که

مبانی انتخاب رهبری، وجوبی را برای کسی تعیین کرد، کسی دیگر نباید به عنوان قائم مقام یا جانشین مطرح بشود و این وجوب کفایی از راه خودش تعیین پیدا می کند. که به لطف خدا آقای منتظری هم در زمان حیات امام نشان داد که شایستگی رهبری ندارد و دنیا روی رجعت رهبری در جمهوری اسلامی خیلی امیدوار بودند که با این رجعت ریل گذاری انقلاب کاملاً تغییر می کرد. وقتی آقای منتظری از قائم مقامی عزل شد استکبار طراحی برای ایجاد تنش و شکاف و بحران جانشینی بعد از امام خمینی (ره) را برگزید و اصلی ترین و مهمترین دلیل که در انقلاب اسلامی ایران رجعت رخ نداد به دلیل روی کارآمدن رهبری از جنس و همانند امام بود. تاکید مقام معظم رهبری بر هدف و راه و مکتب امام و ادامه راه امام در تمامی شئون، این انقلاب را از رجعت دور ساخت. امام خامنه ای نگذاشتند مکتب امام خمینی کم رنگ بشود و امروز وظیفه مهم این است که ما نباید بگذاریم مکتب رهبری تدریجاً کم رنگ بشود.

خطر ارتجاع در سایر حوزه ها

دشمن وقتی از ارتجاع در مدیریت و رهبری امت اسلامی نا امید شد به دنبال طراحی رجعت در عرصه های دیگر است که اگر در این عرصه ها رجعت صورت پذیرد، رجعت در رهبری هم اتفاق می افتد. دشمن درصدد رجعت در رهبری سوم است و اذعان می کنند که رهبری دوم عین و همانند رهبری اول

بوده است. در رهبری دوم به دنبال تحمیل و تغییر رفتار رهبری بوده‌اند اما حال سوال این است که می‌شود به رهبری چیزی را تحمیل کرد؟ جنگ صفین در تاریخ اسلام نشان داد که می‌شود، مامون ثابت کرد که می‌شود. دشمن صحنه را طوری می‌چیند که امام و رهبری برخلاف خواست و اراده خودش به خاطر حفظ مصالح جامعه اسلامی حرکتی انجام می‌دهد.

امروز یکی از بزرگترین وظایفی که بر دوش امت اسلامی و اقشار حزب الله سنگینی می‌کند این است که مانع ارتجاع شوند. البته در اصل انقلاب ارتجاع رخ نداد اما افراد گرفتار ارتجاع شدند یک عده در اندیشه و یک عده در عمل دچار ارتجاع شدند. برخی از کسانی که لانه جاسوسی را تسخیر کرده بودند توبه نامه نوشتند. این یعنی ارتجاع افراد. در واقع از انقلابی بودن توبه کردند، از گفتمان انقلاب توبه کردند به طور مثال طلحه و زبیر در اندیشه با امام علی بودند ولی وقتی به سهم خواهی از حکومت علوی پرداختند تبدیل به دشمن حکومت علوی شدند.

اصلی ترین محورهای رجعت

در این محورها باید مراقب بود رجعت صورت نپذیرد، رجعت از ارکان انقلاب، رجعت از ایدئولوژی انقلاب، مراقبت از استحاله ایدئولوژی انقلاب، مراقبت از توجیه غیر منطقی که برای بقاء چاره ای جزء عدول از گفتمان دینی و انقلابی نیست و با این گفتمان نمی‌شود در شرایط فعلی کشور را راهبری کرد، باید از

رجعت در ارزش ها و گرایش ها و رجعت در ذائقه مردم مراقبت کرد که مردم گرفتار دنیا نشوند، رجعت بعدی تغییر محاسبات نخبگان و مدیران که به این جمع بندی برسند که مدیریت دینی در عصر حاضر قابل پیاده سازی نیست و هزینه زیادی تولید می کند.

محور دیگر ارتجاع، القای یاس و نا امیدی به مردم است. دشمن در این راستا این گونه تحلیل می کند که درست است آمریکا نظام استکباری و سلطه جواست اما قدرت دست اوست و باید با او به سازش و تفاهم رسید. هدف بعدی دشمن این است که انقلاب اسلامی را ناموفق نشان دهد و در این راستا به پنهان سازی شکست های خودش و موفقیت های جمهوری اسلامی ایران می پردازد. رجعت مهم دیگر، رجعت در سبک زندگی و ارتباطات است که در برخی از این موارد پیشروی کرده است. ارتجاع در الگو سازی های منحط برای جوانان.

ارتجاع آخر ارتجاع در بحث مولفه های قدرت است و القای فکری این که قدرت را نمی شود تقسیم کرد و قدرت تمرکز دارد و ابر قدرت آمریکا است و دیگران ذیل آن قدرت تعریف می شوند. همه حرف آقا این است که چه کسی گفته قدرت تمرکزش دست شما باشد و ما مصرف کننده قدرت باشیم.

وظیفه و تکلیف در برابر ارتجاع مدرن چیست ؟

به دلیل عرصه های گوناگون ارتجاع، باید جهاد ما جهاد در عرصه های مختلف باشد و حضرت آقا نسخه های مختلف را تحت عنوان جهاد ترکیبی مطرح کردند.

در جهاد ترکیبی مبنایی ترین جهاد، جهاد تبیین است. چرا ؟ به دو دلیل عمده ، مناسبترین سلاح در برابر جنگ نرم دشمن و تحریف، دروغ و القای به بن بست رسیدن کشور، جهاد تبیین است. اولاً جهاد تبیین می تواند محرک و تبلیغ برای سایر عرصه های جهادی باشد و جهاد تبیین امت را می تواند در جهاد سازندگی، جهاد امید آفرینی، جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد در سبک زندگی، راهبری کند ثانیاً به دلیل نقش بنیادی آن در شکل دهی به مبانی. بنابراین در وهله اول باید شاکر نعمت بزرگ ولایت فقیه و همچنان این ولی فقیه باشیم و شکرگزاری نسبت به توفیق دفاع از جریان اصیل انقلاب اسلامی که خداوند متعال برای ما اعطاء کرده است و در وهله دوم نسبت به اجرای فرامین حضرت آقا از حساسیت لازم و کافی برخوردار باشیم. ثالثاً باید با اتحاد و هماهنگی و هم افزایی نهادی و شخصی و سازمانی به انجام این مسئولیت بزرگ پرداخت.